



پنجشنبه ۱۹ سپتمبر ۲۰۲۴

حمید انوری

کوتاه نگاهی بر کودتای ثور و چند مطالبه دیگر

کودتای منحوس ثور که از دامان روسیه شوروی وقت در سرزمین آبائی ما پیاده ساخته شد، هنوز قدم های کثیف و منحوس خود را در کشور باستانی ما بر زمین نگذاشته بود که خونها ریخته شده، زندگی ها برباد داده شد و کشور به قهقرا سوق داده شد.

کودتاجیان ثور که از پست ترین طبقه اجتماع افغانستان آنروز برخاسته بودند، دیوانه قدرت چند روزه گردیده و میدان را شغالی دیدند و اربابان وحشی روسی خود را حامی یافتند، وحشت و دهشت و قتل و کشتار هموطنان مظلوم ما را آغاز نموده و از کشته ها پشته ها در هر کوی و برزن ساختند. با مطالعه نبشته مستدل و مستند خواهر با احساس ما، محترمه "فریده جان نوری" معنون به "کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خلق و پرچم" و عملکرد حزب کمونیست فرانسه در قبال افغانستان و مردم افغانستان، به یاد زمان جنگ های افغان- روس در سالهای تجاوز ننگین روسیه بر افغانستان افتادم که مردم افغانستان در مقابل تجاوزگران وحشی روسی مبارزه میکردند و بهترین جوانان خود را به قربانگاه آزادی میفرستادند و جهانیان به جز اعمار روسیه شوروی در حمایت از جنگ مقدس آزادی بخش مردم افغانستان قرار داشتند و...، حزب کمونیست فرانسه در همان زمان در یک ارتباط تنگاتنگ با روسیه و خلق و پرچم شان قرار داشت و تجاوز ننگین روسیه بر افغانستان را تائید می کردند. در همان زمان رفت و آمد خبرنگاران خارجی به افغانستان و تهیه گزارشات از جنایات روسها در افغانستان خیلی داغ بود و...

چند خبرنگار فرانسوی در جریان مسافرت های پنهانی شان به افغانستان (در آن زمان روسهای ددمنش سخت تلاش داشتند تا افغانستان و افغانها را منزوی سازند و از زمین و از هوا مشغول کشتار

خبرنگاران خارجی بودند)، توسط تجاوزگران روسی در داخل افغانستان اسیر شدند. "محکمه انقلابی" رژیم کودتا، آنان را به مرگ محکوم ساختند.

از آنجائیکه نام خبرنگار و جزئیات قضیه از سالهای هشتاد میلادی در حافظه نمانده بود، به هوش مصنوعی مراجعه کردم که فوراً این معلومات را عرضه داشت:

"خبرنگار فرانسوی که توسط روس ها در افغانستان اسیر شد، فلیپ روش (Philippe Rochot) نام داشت. وی در سال ۱۹۸۰ میلادی در جریان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی)، به همراه دو خبرنگار دیگر فرانسوی به اسارت درآمد. این خبرنگاران توسط نیروهای وابسته به شوروی در افغانستان اسیر شدند.

پس از مدتی، این خبرنگاران توسط نیروهای شوروی آزاد شدند. اسارت این خبرنگاران توجه زیادی در رسانه های بین‌المللی به خود جلب کرد و بخشی از روایت های مربوط به جنگ سرد و رقابت های ابرقدرت ها در افغانستان در آن زمان بود."

آنچه در حافظه هنوز باقی است، این است که آن خبرنگار یعنی فلیپ روش، یکی از اعضای حزب کمونیست فرانسه بود که با دو فلم بردار بصورت دستوری به افغانستان فرستاده شده بودند، البته از راه پاکستان (پشاور یا کوئته) که موقعیت قرارگاه های مجاهدین را در سرحد پاکستان و افغانستان و در داخل افغانستان با معلومات بسیار مهم و حیاتی، همه را به روسها راپور داده بود و سبب اسارت (فرمایشی) آنان نیز راپور هائی بود که حزب کمونیست فرانسه از موجودیت و محل رفت و آمد و استقرار آنان به رفقای روسی خود می دادند که در نتیجه آنانرا بصورت نمایشی به اسارت گرفته و در تلویزون آنزمان کابل که در اختیار تجاوزگران روسی بود، به نمایش آوردند و بعداً هم "محکمه انقلابی" کودتاچیان آنانرا به مرگ محکوم کرد تا خبرنگاران خارجی را وحشت زده ساخته و ایجاد رعب و وحشت کند، اما چون همه چیز دستوری بود و بین حزب کمونیست فرانسه و روسیه طرح ریزی شده بود، فقط از آن نمایش مسخره، معلومات اطلاعاتی مهم به دست آوردند و برای چندی ایجاد رعب و وحشت در بین خبرنگاران خارجی نمودند و...

جهت معلومات مزید در مورد بازهم به هوش مصنوعی مراجعه میکنیم تا مبدا حافظه این کمترین خطا کرده باشد:

"محکمه انقلابی افغانستان در زمان اسارت فلیپ روش و دو خبرنگار دیگر فرانسوی در سال ۱۹۸۰، حکم اعدام را برای آنها صادر کرد. این خبرنگاران به اتهام جاسوسی برای غرب و فعالیت

های ضد دولتی متهم شدند. این اتهامات در چارچوب تبلیغات و فشارهای سیاسی دوران جنگ سرد و حضور نظامی شوروی در افغانستان مطرح شد.

با این حال، حکم اعدام هیچگاه اجرا نشد و این خبرنگاران پس از مدتی آزاد شدند. آزادی آنها نتیجه فشارهای بین‌المللی و مذاکرات دیپلماتیک بود." (البته منظور از فشار های بین المللی بیشتر فشار های حزب کمونیست فرانسه بر حزب کمونیست روسیه بوده است.)

پرسش دیگری که با هوش مصنوعی در میان گذاشتم این بود:

آیا آن خبرنگار عضو حزب کمونیست فرانسه بود؟

و پاسخ چنین بود:

"بله، یکی از دلایلی که به آزادی خبرنگاران فرانسوی کمک کرد، این بود که آن‌ها عضو حزب کمونیست فرانسه بودند. ارتباط آنها با حزب کمونیست فرانسه که مواضع همسویی با اتحاد جماهیر شوروی داشت، باعث شد دولت شوروی و نیروهای وابسته به آن در افغانستان پس از مدتی فشارهای سیاسی و بین‌المللی، تصمیم به آزاد کردن آن‌ها بگیرند.

این عضویت و مواضع سیاسی آنها نقش کلیدی در تغییر وضعیت پرونده (دوسیه) و در نهایت آزادی آن‌ها ایفا کرد، زیرا ارتباط با حزب کمونیست فرانسه احتمال همکاری و هماهنگی سیاسی بیشتری را فراهم می‌کرد."

و آخرین سوال از این منبع:

این خبرنگاران در کدام ولایت افغانستان اسیر شدند؟

و پاسخ:

"خبرنگاران فرانسوی از جمله **فلیپ روش** در سال ۱۹۸۰ در ولایت **کنر** افغانستان اسیر شدند. این منطقه در شرق افغانستان و نزدیک به مرز با پاکستان قرار دارد. کنر در آن زمان یکی از مناطق فعال برای مقاومت مجاهدین افغان علیه نیروهای شوروی بود و به همین دلیل، بسیاری از درگیری‌ها و فعالیت‌های نظامی در آنجا رخ می‌داد.

این خبرنگاران در حالی که مشغول پوشش جنگ و درگیری‌ها بودند، توسط نیروهای دولتی وابسته به شوروی دستگیر و به اتهام جاسوسی بازداشت شدند."

جان مطلب همینجاست، فرانسوی‌ها در ده سال تجاوز و سه سال مقاومت حزب حاکم وقت، همیشه و بلاوقفه خبرنگاران مختلف را فقط و فقط و یا بهتر گفته شود، بیشتر به دره پنجشیر میفرستادند که در برگشت بیشمار زمرد و لاجورد بسیار اعلی و خالص را با خود می‌آوردند و به نان و نوائی

میرسیدند و در عوض از یک موش غار نشین، "شیر پنجشیر" ساختند. آنان هیچ زمانی از جنگ های رو در رو بین مجاهدان و تجاوزگران روسی، فلم و گزارشی تهیه نکردند که در اختیار جهانیان قرار میدادند، در آن دره اصلاً جنگی در جریان نبوده است و اگر جنگی هم صورت میگرفت، روسها قبلاً به احمد شاه مسعود از طریق فردی بنام "فهیم قسیم" که یک دریور و یک جاسوس در "خاد" بود، اطلاع میدادند و بعد از آنکه اطلاع داده می شد و اطمینان حاصل میکردند، مردم مظلوم دره را از هوا چنان بمباردمان میکردند که دود شان به هوا میرفت و...

حال قضاوت با هموطنان شریف ما که فرانسوی ها و بلخصوص حزب کمونیست فرانسه چه نقش مخرب در مورد سرزمین ما و مردم مظلوم ما داشتند و دارند هنوز.

ممنون از احساس پاک خواهر گرامی ما "فریده جان نوری" که با نبشته مستدل و زیبایی شان این کمترین را به سالهای تجاوز بردند و نقش سخت منفی کشور و احزاب چپ و راست فرانسه را ماهرانه به تصویر کشیدند و نیز ممنون از ایجادگران هوش مصنوعی که کار را خیلی ها ساده ساخته اند.

آنچه اما ناگفته نباید از آن گذشت، این تواند بود که "خبرنگاران" فرانسوی که ده ها و صدها بار بصورت مخفیانه راهی دره پنجشیر دز زمان تجاوز روسیه بر افغانستان شده بودند، هیچگاهی اسیر نشدند و هیچگاهی هم کشته و یا زخمی نشدند، با خاطر جمع و فارغ البال و راحت به آن دره میفتند و می آمدند و...، اما صرف یگانه موردی که به ولایت کنر در شرق افغانستان رفتند، اسیر شدند و باقی ماجرا...

پنجشیر هیچگاه مشکلی برای تجاوزگران روسی و غلامان خلقی و پرچمی شان بشمار نمی رفت و رفت و آمد متواتر و پیهم خبرنگاران فرانسوی، نه چپی و نه هم راستی، با راحتی صورت میگرفت و خبرنگاران متعدد، با خیال راحت از طریق پشاور و کویت مشغول مسافرت های دلچسپی به دره پنجشیر بودند.

و اما جان مطلب و لب و لباب این پژوهش مختصر فقط این بود که کشور فرانسه و نیز احزاب چپ و راست آن کشور، به شمول حکومت متعدد فرانسه، در هیچ مقطع تاریخ دوست افغانستان و مردم آن خطه تاریخی نبوده اند که هیچ، بلکه از هر فرصتی سود برده اند و میبرند هنوز که زهر هلاهل دشمنی بدون دلیل شانرا در تن و بدن افغانها، مزورانه بریزند و خود در غندی خیر بنشسته و تماشا کنند.